بررسی مستندات حدیث امامت امام رضاعليه‌السلام ـ زهره اخوان مقدم، فاطمه کاظمی‌نعمتی
فصلنامه تخصّصي مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال یازدهم، شماره ۴۱ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، زمستان ۱۳۹۲، ص ۹۸ ـ ۱۲۴

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

بررسی مستندات قرآنی حدیث امامت امام رضاعليه‌السلام

زهره اخوان مقدم *
فاطمه کاظمی‌نعمتی **

چکیده: این مقاله، بررسی ۳۱ آیه از مستندات قرآنی خطبه جامع امام رضاعليه‌السلام در باب امامت را در بر دارد.این آیات، در موضوعهایی همچون: شرایط امامت، علل انحراف معاندان از خط ولایت و سرزنش آنان می‌باشد. نگارندگان دربارهٔ این آیات، توضیحاتی آورده‌اند.

کلیدواژه‌ها: امام رضاعليه‌السلام – احادیث / امامت – خطبه امام رضاعليه‌السلام / خطبه امامت امام رضاعليه‌السلام – مستندات قرآنی.

*. استاد یار دانشگاه علوم و فنون قرآنی dr.zo.akhavan.gmail.com
**. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث (شاخه‌ی تفسیر) ali.kazemin@yahoo.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

مقدمه

۱) مروری بر خطبه

امام‌رضا علیه‌السلام در مرو، پس از شنیدن سخن عبدالعزیز بن مسلم، مبنی بر اختلاف مردم در بحث‌های مربوط به امامت ائمه اطهار علیهم‌السلام، سخنان مهمی در این باره مطرح فرمودند.

در این حدیث به آیات بسیاری استناد نموده‌اند. ایشان به جهت برطرف کردن اختلاف‌ها، در صدد اثبات قرآنی موضوع امامت بر آمده و دسته‌ای از آیات را صریحا و دسته‌ای دیگر را به شکل تلویحی بیان کرده‌اند. این مقاله فقط به بررسی تطبیقی آیات صریح می‌پردازد که ۳۱ آیه و در قالب ۶ گروه کلی جا می‌گیرد:

گروه اول: آیاتی در اثبات اکمال اسلام و جامعیت قرآن که بیانگر وجود مبنای قرآنی برای امامت است. (۲آیه)

گروه دوم: آیاتی در شرایط امامت (۶ آیه)

گروه سوم: آیاتی در صفات امام (۲ آیه)

گروه چهارم: آیاتی که امام به نفرین مخالفین می‌پردازد (۳ آیه)

گروه پنجم: آیاتی در علل انحراف معاندان از خط ولایت (۷ آیه)

گروه ششم: آیاتی در سرزنش و توبیخ مخالفان (۱۱آیه)

۲) منابع روایت امام رضا علیه‌السلام در بارهٔ متون کهن حدیثی:

این روایت در چندین منبع روایی سدهٔ چهارم تا ششم آمده است:

۲-۱. کلینی رازی (م ۳۲۹ ق) در *کتاب کافی بخش اصول* (ج ۱، ص۱۹۸-۲۰۳)

۲-۲. کاتب نعمانی (قرن۴) در کتاب *"الغیبة"* (ص۱۱۶-۱۱۹)

۲-۳ تا ۲-۶. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق) (م۳۸۱ ق) در چهار کتاب خویش: *"کمال الدین و تمام النعمه"* (ج۲/ ص۶۷۵)؛ کتاب *"معانی الاخبار"* (ص۳۳-۳۴)؛ کتاب *"عیون اخبار الرضا"* (ج۱، ص۹۶ به بعد)/ کتاب *"الامالی"* (ص ۳۹۹-۴۰۲)

۲-۷. ابن شعبه حرانی در کتاب" *تحف العقول عن آل الرسول*" (ص۴۳۶-۴۴۲)

۲-۸ ابو منصور طبرسی (م۵۸۸ ق) در کتاب" *الاحتجاج*" (ص۲۳۷-۲۴۰)

بررسی مستندات قرآنی "حدیث امامت" امام رضاعلیه‌السلام

در این بخش ما به بررسی ۳۱ آیه‌ای می‌پردازیم که امام رضاعلیه‌السلام به صراحت بدانها استناد کرده‌اند:

۱. سوره الأنعام (۶): آیه ۳۸:

مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ

ما چیزی را در کتاب فرو گذار ننمودیم.

امام رضاعلیه‌السلام در پی بیان تمامیت کلام وحی و پاسخ‌گویی آن به همهٔ نیازها و ضرورت‌های زندگی معنوی و مادی بشر، سخن خویش را با استناد به این آیه آغاز می‌نماید. حضرتش گویی تلنگری به منکران امامت می‌زند و در همان ابتدای بحث به آنان گوشزد می‌کند که در قرآن همه چیز هست؛ فقط جوینده‌ای بی‌غرض می‌خواهد تا با قلبی روشن آنان را یافته و بپذیرد. خواهیم دید که خود ایشان در ادامهٔ کلام گهربارشان چگونه مسالهٔ امامت و شرایط امام و مسایل مربوط به جانشینی پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله را از میان همین آیات قرآن بیان می‌دارد.

علماء شیعه و سنی – بر مبنای اعتقادشان به جامع بودن یا نبودن قرآن – به تفسیر این آیه پرداخته‌اند. مفسّران شیعه به طور کلی، منظور از کتاب را لوح محفوظ یا قرآن و یا هر دوی آنها (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷ق، ج۷، ص: ۷۳- ۸۰؛ طوسی، *التبیان [بی‌تا]*، ج۴، ص: ۲۷؛ طبرسی، *مجمع البیان*، ۱۳۷۲ش، ج۴، ص: ۴۶۱؛ همو، *جوامع الجامع*، ۱۳۷۷ش، ج۱، ص۳۷۷؛ حسینی شاه عبد العظیمی، *تفسیر اثنا عشری*، ۱۳۶۴ش، ص: ۲۶۴؛ کاشانی، *منهج الصادقین*، ۱۳۳۶ش، ص: ۳۸) و در جای دیگر به معنای اجل (طبرسی، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ج۴، ص: ۴۶۱) آورده‌اند. آنها عقیده دارند که خداوند در کتاب کوتاهی نمی‌کند و هر آنچه که برای منافع دین و دنیای انسان‌ها لازم است، در آن می‌آورد امامت و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

نحوهٔ نصب امام و صفات و شرایط آن نیز که از مسایل مهم و زیر بنایی دنیا و عقبی می‌باشد در قرآن آمده است.

اکثر مفسران سنی مذهب هم همین آراء را بیان می‌کنند، اما احتمالات دیگری را هم برای معنای آیه بیان می‌دارند و می‌گویند: کتابی که همه چیز در آن است، نمی‌تواند قرآن باشد؛ چرا که علوم بسیاری است که در قرآن نیامده است، و همچنین در معنای کتاب، مکتوب وقلم را هم ذکر می‌کنند. حتی گروهی از اهل سنت می‌گویند: مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ، باید خاص شود به بیان چیزهایی که معرفت به آن واجب است (فخر الدین رازی، *مفاتیح الغیب*، ۱۴۲۰ق، ج۱۲، ص: ۵۲۶؛ دروزه، *التفسیر الحدیث*، ۱۳۸۳ق، ج۴، ص: ۸۸).

اینگونه آنان که اعتقادی به جامع بودن قرآن و تبیان بودن آن ندارند، با تدابیری در مشروط و مقید نمودن دامنهٔ این شمول و جامعیت می‌کوشند، و آن را فقط در بیان واجبات و احکام و.. ، جامع و تبیان می‌دانند.

برخی از آنان منظور از کتاب جامع را، لوح محفوظ می‌دانند (*قرطبی* ۱۳۶۴ش، ج۶، ص: ۱/۴۱۹؛ زحیلی، *التفسیر المنیر*، ۱۴۱۸ق، ج۷، ص: ۱۹۳؛ زمخشری، *الکشاف*، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص: ۲۱؛ بلخی، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، ۱۴۲۳ق، ج۱، ص: ۵۶۰) که آن هم، در دسترس ما نمی‌باشد. گویی این گونه می‌خواهند حقایق را در کتابی دور از دسترس بشر تصور کنند، تا برای نپذیرفتن مسایل، حجتی داشته باشند که به علت عدم دسترسی به حق منحرف شدند. (*اخوان مقدم، اصول تفسیر برگرفته از روایات اهل بیت علیهم‌السلام*، ۸۹-۹۰)

۲. سورهٔ مائده/آیهٔ ۳:

الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلاَ تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلاَمَ دِيناً.

امروز کسانی که کافر شدند از دین شما مأیوس شدند. از آنها بیم نداشته باشید و از من که خدای شما هستم بترسید. امروز برای شما دین شما را کامل کردم و بر شما نعمت خود را تمام کردم و برای شما دین اسلام را پسندیدم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

این آیه از مهم‌ترین آیات، در اثبات امامت اهل بیت علیهم‌السلام است. اکثر علمای شیعه در کنار نظرات مختلف دربارهٔ "الیوم"، نزول آن را در حجة الوداع می‌دانند. (طبرسی، *مجمع البیان*، ص۲۷۳ به بعد) در روز غدیر بود که پیامبر علی علیه‌السلام را به امامت و جانشینی بعد از خود انتخاب نمود. حدیث غدیر از مهم‌ترین احادیثی است که به شرح ماجرا می‌پردازد. پیامبر دست امام علی علیه‌السلام را بلند کرده و فرمودند: "من کنت مولاه فهذا علی مولاه".

اما اهل سنت احتمالات دیگری برای روز نزول این آیه و شان نزول آن بیان می‌دارند. البته ماجرای غدیر در برخی کتب معتبر اهل سنت نیز نقل شده است، اما برخی از آنان، گاه حدیث را غیر صحیح دانسته (دروزه، *التفسیر الحدیث*، ج۹، ص: ۳۰) و گاه در معانی لغوی کلمات حدیث، شبهه وارد می‌کنند. مثلاً می‌گویند: مولی در این حدیث به معنای دوست آمده است و افادهٔ معنای سرپرست و رهبری نمی‌کند. آنان گاه پا را فراتر گذاشته و به استهزای کسانی روی می‌آورند که در شأن نزول این آیه به ذکر ماجرای غدیر می‌پردازند. (همانجا) اما در پاسخ باید گفت: اخباری که نزول آیه فوق را در جریان غدیر بیان کرده، در ردیف خبر واحد نیست که بتوان با تضعیف بعضی اسناد آن، آنها را نادیده گرفت بلکه اخباری است که گروهی از محدّثان شیعی و سنّی آنها را متواتر می‌دانند. و اگر متواتر نباشد، لااقل مستفیض است، و در منابع معروف اسلامی نقل شده است. حتی باید گفت نزول این آیه در طلیعهٔ غدیر را ۳۰ نفر از دانشمندان و مفسران اهل سنت نیز در تالیفات ویژهٔ خود نوشته‌اند. (امینی، *الغدیر*،۱۳۸۴ش، ج۱، ص۲۱۴و۲۲۹) این گروه، به ترتیب زمان، از حافظ ابوجعفر طبری شروع و به شیخ محمد عبده مصری منتهی می‌شود.

در بیشتر این منابع اشاره شده که آیهٔ "الیوم اکملت" و "الیوم یئس" در روز غدیر سال دهم نازل شده و ناظر به امامت است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

۳. سورهٔ بقره / آیهٔ ۱۲۴:

وَ إِذِ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَاماً قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لاَ يَنَالُ عَهْدِي الظالمين

و زمانی را، که ابراهیم را، پروردگارش به کلماتی آزمایش نمود، یاد کن. پس او آن کلمات را به اتمام رسانید، خداوند فرمود: همانا ترا پیشوای مردم قرار دادم. ابراهیم گفت: از ذریه من هم پیشوا قرار ده، فرمود: عهد امامت من به ستمکاران نمی رسد.

امام رضا علیه السلام آیه‌ای را برای بیان انتخاب کردند که چهار چوب‌های کلی مسالهٔ امامت را در خود گنجانده است، از جمله:

۱. خدا نصب امام می‌کند

۲. حتی به تقاضای خلیل خود نیز در نصب امام توجهی ندارد

۳. امام نباید ظالم باشد

۴. امامت امری مهم، و عهدی الهی است و لذا به ظالمان و گنهکاران نمی‌رسد. لذا امام باید معصوم و دور از ظلم و گناه باشد.

مفسران شیعه بر اساس این آیه می‌گویند: مقام امامت به انسانهای ظالم نمی‌رسد و منصبی از سوی خداست.

اما اهل سنت بیشتر تکیه بر این دارند که منظور از امام، نبی است و امام نمی‌تواند شامل این آیه باشد. فخر رازی گوید: اگر بپذیریم در اینجا مراد مطلق امامت است، در انتصاب امام به امامت از طریق تنصیص شکی نیست، اما اختلاف در این است که آیا امامت به غیر از نص الهی هم امکان دارد؟ چرا که در این آیه به این مساله نه با نفی و نه با ایجاب نپرداخته است. (فخر الدین رازی، *مفاتیح الغیب* ، ج۴، ص:۳۱) ابن عاشور می‌گوید: "لِلنَّاسِ إِماماً" بر این دلالت می‌کند که خدا او را امام تمامی مردم قرار داد. و کسی که به‌این منصب رسد، باید رسولی از سوی خدا، مستقل در شریعت باشد. چرا که اگر مستقل نباشد، ماموم او می‌شود نه امام. پس منظور از امام، پیامبری مستقل از رسل

پیشین است.

یا این که لفظ دلالت بر این می‌کند که ایشان در همهٔ امور، امام بودند و این می‌طلبد که او نبی باشد. (ابن عاشور ، التحریر و التنویر ، ج۱، ص۶۸۱)

برخی از عالمان شیعه ظاهر الفاظ را حجت دانسته و از امام همان معنای امام را برداشت کرده‌اند و نبی بودن امام در این جمله را با ارائهٔ ادله نفی نموده‌اند. ایشان در اثبات ادعای خود دلائلی آورده‌اند از جمله اینکه: جمله "انی جاعلک للناس اماما" بر آینده دلالت دارد و وعده‌ای است که خدا به ابراهیم داده تا در آینده او را امام قرار دهد. به این دلیل که واژه امام، برای جاعل (اسم فاعل) معمول است و اسم فاعل، در آن عمل کرده و منصوبش نموده است. پس قطعا به معنای گذشته نیست، زیرا اگر اسم فاعل، در معنای گذشته باشد عمل نکرده و معمول نمی‌گیرد. حال که «جاعل» عمل کرده، نشان می‌دهد که به معنای حال و استقبال آمده است. بر این اساس، معنای آیه نمی‌تواند پیامبری و نبوت باشد، زیرا ابراهیم، قبل ازاین، پیامبر بوده و متوقف بر وعده‌ای نیست. (طباطبایی، *المیزان*، ج۱، ص: ۲۶۷)

اشکال دیگر اهل سنت این است که شیعه امامت را بالاتر از رسالت می‌داند، پس با این حساب مقام علی‌علیه‌السلام را که امام است از مقام محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که رسول است، بالاتر می‌دانند. در جواب باید گفت: ما دو نوع نبوت داریم؛ نبوت خاصه و عامه که مقام امامت بالاتر از نبوت عامه و پایین‌تر از نبوت خاصه می‌باشد. (شیرازی، *شبهای پیشاور*، ۱۳۷۲ش، ص۲۸۱).

ذیل این آیه جا دارد حدیثی از پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ذکر شود که فرمود: "دعوت الهی بر من و علی پایان گرفت، در حالی که هیچ کدام بر بتی سجده نکردیم پس من نبی شدم و او وصی" (*علامه حلی، نهج الحق و کشف الصدق*، ۱۴۰۷ق، ص۱۸۰)

به طور کلی باید گفت طبق آیهٔ صریح قرآن، ظالم ملعون است، (سوره هود/آیه ۱۸و۱۹) و برائت از او واجب است و هر کس از ظالم پیروی کند، ظالم است. ظلم در واقع قرار

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

دادن چیزی در غیر جای خود است؛ پس هر کس ادعای امامت کند، ولی امام نباشد و هر که امامت را بر غیر اهل آن قرار دهد، ظالم وملعون است. (*ابن بابویه، اعتقادات الامامیه*، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص۱۰۲-۱۰۴)

۴و۵. سورۀ انبیاء/ آیۀ ۷۳ و۷۲:

وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كُلاًّ جَعَلْنَا صَالِحِينَ وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلاَةِ وَ إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ

و ما اسحاق را به او عنایت فرمودیم و نیز نوه‌ای به نام یعقوب و همه آنها را مردانی صالح و پارسا مقدّر فرمودیم؛ و [نیز] ما آنها را پیشوایان معنوی انسانها قرار دادیم که به فرمان ما، مردمِ زمان خود را هدایت می‌کردند و ما نیکوکاری و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات را به آنها وحی فرمودیم و آنها پرستشگران مخلص ما بودند.

اهل سنت منظور از امام را، نبی و کسانی که مقتدای خوبی‌ها هستند، بیان کرده‌اند. برخی دیگر، آیه را منحصر در ظاهر دانسته و می‌گویند: سخن دربارۀ اسحاق و یعقوب است. (دروزه، *التفسیر الحدیث*، ج۵، ص: ۲۷۶). گروهی از مفسران شیعی نیز، ائمه را به معنای ظاهری آن گرفته و می‌گویند که این آیه در صدد بیان شرایط امامت است. (طباطبایی، *المیزان* ج۱۴، ص: ۳۰۴؛ *طیب، أطیب البیان*، ج۹، ص: ۲۱۳). آنها معتقدند مقام امامت و پیشوایی بالاتر از مقام نبوت و رسالت است و اقتداء به آنها در جمیع افعال و اقوال و تقریرات، بر امّت واجب است. (*همانجا*) شیعه منظور از صالحین را شایستگان برای امامت و نبوت می‌داند. (*طیب*، ج۹، ص: ۲۱۳) و این عنوان را مدحی از جانب خدا می‌دانند. (*طوسی، التبیان*، ج۷، ص: ۲۶۴؛ *طبرسی، مجمع البیان*، ج۷، ص۸۹)

ابراهیم علیه‌السلام بعد از پشت سر نهادن امتحانات سخت الهی در سال‌های پایانی عمر خود، بعد از سالها نبوت به مقام امامت نایل گردید. یعنی خداوند، علاوه بر مقام نبوت و رسالت، مقام" امامت" را نیز به او داد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

از دیگر شئون انحصاری امام، این است که خدا می‌فرماید: ما به آنها انجام کار خیر را وحی کردیم و همچنین برپا داشتن نماز و ادای زکات (وَ أَوْحَيْنا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْراتِ وَ إِقامَ الصَّلاةِ وَ إِيتاءَ الزَّكاةِ).

انبیاء به مقام رهبری «جَعَلْناهُمْ أَئِمَّةً» نائل آمدند، در حالی که همواره بندهٔ خدا هستند. «وَ كانُوا لَنا عابِدِينَ». پس باید دانست حکومت و مدیریت جامعه جزء دین است. و کسی که دین ندارد، نباید در راس امور مملکتی باشد و زمام امور مسلمانان را به دست گیرد. امامت آخرین مرحله سیر تکاملی انسانی است، به معنی رهبری همه جانبهٔ مردم که در حقیقت، ایصال به مطلوب و هدایت تشریعی و تکوینی است.

در این بین گروهی، دست هدایت ائمه را رها می‌کنند و در پی پیروی از امیال خود به دنبال دیگران می‌گردند تا به آنها اقتدا کرده و هدایت شوند. اینان از قول پیامبر بیان می‌دارند «أصحابي كالنجوم، بأيّهم‌اقتديتم اهتديتم». بزرگان شیعه در پاسخ به این مدّعا سخن گفته‌اند. (شیخ مفید، *الافصاح فی الامامة*، ۱۴۱۳ق، ص۵۰؛ تمیمی‌مغربی، *دعائم الاسلام*، ۱۳۸۵ق ، ج۱، ص۸۶؛ *نباطی بیاضی، الصراط المستقیم*، ۱۳۸۴ق، ج۳، ص۱۴۶)

به حکم عقل، صحابه نمی‌توانند ستارگان رهنما به هدایت باشند، در حالی که با شمشیر سر از تن هم جدا می‌کنند و تشنهٔ خون همدیگرند. (کراجکی، *التعجب*،۱۴۲۱ق، چاپ اول، ص:۹۵)

۶. سورهٔ آل عمران/ آیهٔ ۶۸:

انَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْراهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ

محققاً سزاوارترین مردم به ابراهیم کسانی هستند که او را متابعت نمودند و این پیغمبر و کسانی که ایمان آوردند و خداوند ولیّ مؤمنین است.

امام رضا علیه‌السلام اشاره‌ای ظریف به این نکته دارند که اولی به ابراهیم، همان کسانی هستند که از ایشان اطاعت کردند؛ پس در نتیجه اولی به پیامبراسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله هم، اطاعت کنندگان از ایشان هستند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

این آیه چندان مورد اختلاف شیعه و سنی نبوده و اگر هم اختلافی وجود داشت به بدنهٔ اصلی بحث ما آسیبی نمی‌رساند. تنها این نکته منحصر به تفاسیر شیعه است که مفسران شیعه با استناد به روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام منظور از مومنان را ائمه علیهم‌السلام می‌دانند. در این معنا این نکته نهان است که اولی به ابراهیم علیه‌السلام بعد از پیامبر، اهل بیت هستند (*طبرسی، مجمع البیان*، ج۲، ص: ۷۷۰ به بعد؛ *حسینی شاه عبد العظیمی، تفسیر اثنا عشری*،۰، ج۲، ص: ۱۴۱)

۷. سورهٔ روم / آیهٔ ۵۶:

وَ قالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ الْإِيمانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتابِ اللَّهِ إِلى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهذا يَوْمُ الْبَعْثِ
و کسانی که به آنها علم و ایمان داده شده، به آن مجرمین گفتند که شما درنگ کردید در عالم برزخ به آن مقداری که در کتاب الهی ثبت شده تا روز قیامت. اینک این است روز بعث و قیامت.

در این آیه برای"الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ الْإِيمان" در بین مفسران شیعه و سنی آرای مختلفی عنوان شده است. از جمله: ملائکه و فرشتگان، پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله، مؤمنان، دانشمندان. (*طبرسی، مجمع‌البیان*،ج۸، ص: ۴۸۷؛ *همو، جوامع الجامع*، ج۳، ص: ۲۷۴). اهل سنت بر این آراء، ملک الموت را هم افزوده‌اند (*بلخی، تفسیرمقاتل بن سلیمان*، ج۳، ص: ۴۲۱).

یکی از شئون معصومان علیهم‌السلام تفسیر آیات قرآن است. در این روایت، امام رضا علیه‌السلام صراحتا، آیه مورد بحث را تفسیر کرده‌اند و مصداق «الذین اوتوا العلم و الایمان» را امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌شمارند تا از این رهگذر ثابت کنند آن کسی لیاقت امامت دارد که خداوند به او علم و ایمان عطا کرده باشد، نه کسی که علم و ایمان را کسب می‌کند.

۸ سورهٔ توبه /آیهٔ ۳۰:

وَ قالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَ قالَتِ النَّصارى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْواهِهِمْ يُضاهِؤُنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ
یهود گفتند عزیر پسر خدا است. نصاری گفتند مسیح پسر خدا است. این گفتار اینها است که تشبّه پیدا کردند به گفتار کسانی که پیش از آنها کافر شدند خداوند

این‌ها را بکشد که چگونه افتراء می‌بندند.

امام علیه‌السلام در نهایت اندوه، لب به نفرین این شیطان صفتان می‌گشاید که خشت اول را کج گذاشتند و جمعی سفیه‌تر از خود را تا ثریا به بیراهه بردند. می‌فرماید: "خدا آنان را بکشد! چرا از حق روی گردان شده و به باطل روی آوردند؟"

غالب مفسران شیعه و سنی تصریح کرده‌اند که آیه در مقام نفرین است (*طباطبایی، المیزان*، ج۱۶، ص: ۳۲۱؛ *ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم*، ۱۴۱۹ق، ج۴، ص: ۱۱۹؛ *ابن أبی حاتم، تفسیر القرآن العظیم*، ج۶، ص: ۱۷۸۴؛ *زحیلی، التفسیر المنیر* ج۱۰، ص: ۱۸۳؛ *قرطبی، الجامع لاحکام القرآن* ۱۳۶۴ش، ج۸، ص: ۱/۱۱۹؛ *بلخی، تفسیرمقاتل بن سلیمان*، ج۲، ص: ۱/۱۶۷؛ *سیوطی، الدر المنثور* ج۳، ص: ۲۳۰)

یا کنایه از شدت عذاب است. (*طیب، أطیب البیان فی تفسیر القرآن*، ج۶، ص: ۲۰۸). البته آن که به نفرین خداوند و برگزیدگان او دچار شود، در پی آن حتماً به عذاب شدید هم مبتلا خواهد شد. امام علیه‌السلام پس از معرفی امام و ویژگی‌های او، مخالفان را با استناد آیه نفرین کرده و می‌فرماید: خدا آنان را بکشد که با فکر ناقص خود در پی انتخاب و نصب حجّت خدا هستند.

۹. سورهٔ عنکبوت/ آیهٔ ۳۸:

وَ عاداً وَ ثَمُودَ وَ قَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَساكِنِهِمْ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطانُ أَعْمالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كانُوا مُسْتَبْصِرِينَ

ما طایفه عاد و ثمود را نیز هلاک کردیم، و مساکن (ویران شده) آنها برای شما آشکار است، شیطان اعمالشان را برای آنها زینت کرده بود، لذا آنان را از راه بازداشت، در حالی که می‌دیدند.

امام رضا علیه‌السلام به کسانی نفرین می‌کند که راه غلط رفته و در صدد معرفی حجّت خدا از طرف خود هستند. آنگاه این ویژگی مهم آنان را توضیح می‌دهد که آنان با چنین عملی راه خدا را سدّ کرده و مردم را گمراه کردند، ولی نه از روی سهو و خطا. اینان خود به درستی می‌دانستند که حق چیست و کجاست، و ردای امامت سزاوار چه شخصی است، اما به علم خود عمل نکرده و مسیر انحراف را گشودند. شیطان نیز به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

یاریشان آمد و اعمال زشت و نکبت بارشان را زینت داد.

در واقع امام رضاعليه‌السلام هوشمندانه به علت انحراف آنان پی برده و بیان می‌دارند که شیطان اعمال آنها را در نظرشان آراسته و اینان نیز به سوء اختیار خود، در پی او راه افتادند. این گونه آنان با خانه نشین کردن ولیّ الله، کتاب ناطق خداوندگار مهربان و حکمت جوشان الهی، بشریت را برای قرن‌های متمادی در تاریکی جهل و گمراهی وارد کردند واین واقعیتی غیر قابل انکار است.

۱۰. سورهٔ قصص/ آیهٔ ۶۸:

وَ رَبُّكَ يَخْلُقُ ما يَشاءُ وَ يَخْتارُ ما كانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحانَ اللَّهِ وَ تَعالى عَمَّا يُشْرِكُونَ

و پروردگار تو خلق می کند آنچه را که بخواهد و برمی‌گزیند آنکه را که صلاح داند. برای آنها اختیاری در این کار نیست. منزه است خداوند و بلندتر است از آنچه شرک می‌آورند

در تفاسیر شیعی، در این آیه سه مفهوم کلی قابل بحث است: "اختیارات الهی"، "اختیارات بشری"، "رابطهٔ طولی" این دو اختیار. شیعه اختیار همه جانبه، را فقط از آنِ خدا می‌دانند. "يَخْلُقُ ما يَشاءُ" اشاره است به اختیار تکوینی خدا، و می‌فهماند که اختیار او مطلق است و هیچ چیزی از مشیت او سر باز نمی‌زند، نه به خودی خود و نه به خاطر مانعی، و این همان اختیار به معنای حقیقی آن است. (*طباطبایی، المیزان*، ج۱۶، ص: ۶۸)

جمله "و یختار" اشاره به اختیار تشریعی دارد. خداوند که خالق ماست، بر مصلحت ما واقف‌تر است. و از آنجا که صاحب اختیار است، خود در انتخاب کسی که بر ملکش رهبری کند افضل و توانا است و ما باید بر اختیار او مطیع باشیم و امام برگزیدهٔ او را اطاعت نماییم.

در بین مفسران اهل سنت، گروهی صرفاً به بیان‌این موضوع پرداختند که اختیار الهی بالاترین اختیار است و آیه در بیان انحصار مطلق هر گونه خلق و اختیار برای

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

خداوند، و ردّ قدرت اختیار از غیر اوست. (*فخررازی، مفاتیح الغیب*، ج۲۵، ص: ۱/۱۱. *دروزه، التفسیر الحدیث*، ج۳، ص: ۱/۳۳۸. *زحیلی، التفسیر المنیر*، ج۲۰، ص: ۱۴۹). اما در وقت عمل، آنچه را به صلاح دنیایشان باشد، بیان می‌دارند. در اموری به اختیار الهی سر می‌نهند که دنیایشان را به خطر نیندازد. دسته‌ای دیگر با بیان همین موضوع به این نتیجه رسیدند که آیه در بیان این مطلب است که خداوند درمیان بندگانش، شایسته‌ترین را برای رسالتش برمی‌گزیند. (*زحیلی*، ج۲۰، ص: ۱۴۹)

امام رضا علیه‌السلام، با استناد به این آیه، تصریح می‌کند که امر انتخاب امام از اختیارات بشر نیست (ما کان لهم الخیره)

۱۱. سورهٔ احزاب/ آیهٔ ۳۶:

وَ ما کانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لا مُؤْمِنَةٍ إِذا قَضَى اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْراً أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ و مَن يَعصِ اللهَ و رَسو لَه فَقَدَ ضَلَّ ضَلالاً مُبيناً

هیچ مرد و زن مؤمن را، در کاری که خدا و رسولش حکم کنند، اراده و اختیاری نیست. و هر کس نافرمانی خدا و رسولش کند، به گمراهی سخت و آشکاری افتاده است.

این آیه نیز می‌رساند که انسان در امر دین، در برابر امر خدا و رسول حقّ رأی ندارد. آنگاه تاکید می‌نماید که عصیان‌کنندگان در برابر امر خدا و رسول، قطعا به شکل آشکاری گمراه شده‌اند. این نکته، نتیجهٔ ضرورت اطاعت همگان از خدا و رسول است. در روایت می‌خوانیم که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «**یا عباد الله انتم کالمرضی و رب العالمین کالطبیب، الا فسلموا لله امره تکونوا من الفائزین**» (*محدث نوری، مستدرک الوسائل*،۱۴۰۸ق، ج۳،ص۱۷۷؛ *ورام، مجموعهٔ ورام، [بی تا]*، ج۲،ص۱۱۷، *حلی، عدة الداعی*۱۴۰۷ق، ص۳۸) ای بندگان خدا! شما همچون بیمارید و خدا مانند طبیب است، مصلحت مریض در نسخه طبیب است نه آنچه بیمار تمایل دارد، پس تسلیم امر خدا باشید تا رستگار شوید.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

۱۲تا ۱۷. سورهٔ قلم / آیات ۳۶-۴۱:

ما لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ *أَمْ لَكُمْ كِتابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ* إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَما تَخَيَّرُونَ *أَمْ لَكُمْ أَيْمانٌ عَلَيْنا بالِغَةٌ إِلى يَوْمِ الْقِيامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَما تَحْكُمُونَ *سَلْهُمْ أَيُّهُمْ بِذلِكَ زَعِيمٌ* أَمْ لَهُمْ شُرَكاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكائِهِمْ إِنْ كانُوا صادِقِينَ

شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می‌کنید؟ آیا کتابی دارید که از آن درس می‌خوانید؟ یا این که عهدی مستمر تا قیامت بر ما دارید تا به هر چه حکم کنید برای شما قرار دهد؟ از آنان بپرس کدامیک چنین چیزی را ضمانت می‌کنند؟ آیا شریکانی دارند؟ اگر راست می‌گویند شرکای خود را بیاورند.

امام رضاعليه‌السلام بعد از دفاع از حریم ولایت، با استناد به این آیات و به توبیخ منکران می‌پردازد و این گونه به آنان گوشزد می‌کند که آنان برای ادعاهای خود هیچ دلیل و حجت قرآنی و الهی ندارند .

۱۸. سوره محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله) ۴۷/ آیه ۲۴:

أَفَلا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلى قُلُوبٍ أَقْفالُها

آیا در قرآن تدبر نمی‌کنند یا این که بر قلب آنها قفل است که حقایق را درک نمی‌کنند؟

امام رضاعليه‌السلام با استناد به این آیه بیان می‌دارد که مسالهٔ امامت و رهبری امت بعد از پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله، در قرآن کریم گسترده و روشن است و آیات بسیاری در این باره وجود دارد، اما آنان به واسطهٔ عنادشان با حق به جایی رسیده‌اند که بر قلب‌های خود قفل زده‌اند، لذا نمی‌توانند حق را درک کنند. اگر آنان در قرآن تدبر می‌کردند، بی‌شک نشانه‌های هدایت را در آن عیان می‌دیدند.

در واقع امام‌عليه‌السلام سرچشمهٔ مخالفت با ولایت و سرپرستی ائمه‌عليهم‌السلام را با استناد به این آیه، عدم تدبر در قرآن و داشتن قلبهای مهرشده –به دلیل گناهانشان– می‌داند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

۱۹. سورهٔ توبه/ آیهٔ ۸۷:

رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوالِفِ وَ طُبِعَ عَلى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لا يَفْقَهُونَ

راضی و خشنود شدند به اینکه با متخلفین از خروج برای جهاد همراه شوند، و بر قلوب آنها مهر خورده پس آنها دیگر نمی فهمند.

آیه در مورد منافقین است، و امام هشتم علیه‌السلام، مصداقی از این منافقان را مخالفان ولایت و سرپرستی ائمه علیهم‌السلام شمرده‌اند. حضرتش در بیان علل انحراف اینان از مسیر ولایت، به این آیه اشاره می‌کند و می‌فرماید که چون قلب‌های آنها قفل است، حق را از ناحق تشخیص نمی‌دهند، امام راستین را تنها گذاشته و به گروه مخالفان پیوسته‌اند.

۲۰ تا ۲۲. سوره الأنفال ۸/ آیات ۲۱-۲۳:

لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قالُوا سَمِعْنا وَ هُمْ لا يَسْمَعُونَ * إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لا يَعْقِلُونَ * وَ لَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْراً لَأَسْمَعَهُمْ وَ لَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ

و مثل کسانی مباشید که گفتند شنیدیم، حال آنکه نشنیدند. محققا بدترین جنبنده‌ها نزد خدا کسانی هستند که گوش دل آنها کر است و زبان دل آنها لال است. آنها کسانی هستند که تعقل نمی‌کنند و عقل ندارند. و اگر خداوند در اینان خیری سراغ داشت، گوش (دل) آنها را می‌گشود. و اگر گوش آنها را می‌گشود، باز هم (به سوء اختیار خود، نسبت به حق) پشت می‌کردند در حالی که روی گردان بودند.

در اینجا امام علیه‌السلام به مخالفان توصیه کرده و پند می‌دهد که شما مثل کسانی نباشید که چنین منشی داشتند، یعنی در حالی که چیزی نشنیده بودند به دروغ گفته‌اند: ما شنیدیم. شما نشنیده‌اید و کر هستید، و بدترین جنبندگان نیز نزد خدا همین افرادی هستند که ناشنوا بوده‌اند.

بدیهی است که مراد خداوند، کر بودن جسمی نیست؛ زیرا این یک عیب خلقتی است و از عدل خدا دور است که چنین کسی را شرّ و بد بنامد. لذا با جمله بعد همین منظور را تأکید می‌کند که: «لا یعقلون»، یعنی با گوش می‌شنوند، ولی نشنیده می‌گیرند و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

تعقل نمی‌کنند.

امام علیه‌السلام با استناد به آیهٔ " قالوا سمعنا ..." گویی بیان می‌دارند که آنچه آنان ادعای شنیدن آن و قبولش را داشتند، اسلام و اوامر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. البته در واقع آن را هم نشنیده و نپذیرفته بودند؛ چرا که اگر پذیرفته بودند، در همان کتاب و دین، تکلیف امامت مشخص شده بود و امامت به فرد لایق آن می‌رسید نه دیگران.

۲۳. سوره یونس/ آیه ۳۵:

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَ فَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لا يَهِدِّي إِلاَّ أَنْ يُهْدى فَما لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

به مشرکان بگو: آیا از شرکاء شما کسی هست که بندگان را به راه حق هدایت کند؟ بگو: اللّه است که هدایت به حق می‌فرماید. آیا کسی که به سوی حق هدایت کند، سزاوارتر است به اینکه متابعت شود یا کسی که نمی‌تواند هدایت کند مگر آنکه خودش هدایت شود؟ پس شما را چه شده که این چنین حکم می‌کنید؟!

امام رضا علیه‌السلام با استناد به این آیه، مخاطب را به مقایسهٔ علی علیه‌السلام و آل ایشان با مدعیان منصب خلافت فرا می‌خواند تا با وجدان خود قضاوت کند که کدام دسته برای امامت و رهبری سزاوارترند؟ کسی که هدایت شده و می‌تواند مردم را نیز هدایت کند و علم و توانایی او به اندازه‌ای است که می‌فرماید: "سلونی قبل ان تفقدونی". (سیدرضی، *نهج‌البلاغه* ۱۴۱۹ ق، ص۲۸۰) یا کسی که خودش برای هدایت نیازمند دیگران است؟

همان‌هایی که روزی شرک را ترک گفته و مسلمان گشته بودند و سالها از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله درس ایمان و اطاعت آموخته بودند، امامت و ولایت را آن گونه که خدا و رسول، امر نموده بودند، نپذیرفتند. آنان هرگز نخواستند بر فضیلت علی علیه‌السلام و استحقاق ایشان بر امامت اقرار کنند؛ در حالی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بارها فرمود: «الحقّ مع علیّ و علیٌّ مع الحقّ»؟! (مرعشی، *احقاق الحق و ازهاق الباطل*، [بی تا]، ج ۵، ص ۲۸)

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله سالها علی علیه‌السلام را در دامن خود پروراند، تفسیر و تأویل تمام آیات را به او

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

آموخت و بر او خواند و املا کرد، و برای فهم عمیق آن از جانب ایشان، دعا کرد. ایشان خود نقل می‌کنند "ما نزلت عَلَيْهِ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأَنِيهَا وَ أَمْلَاهَا عَلَيَّ فَكَتَبْتُهَا بِخَطِّي وَ دَعَا اللَّهَ أَنْ يُفَهِّمَنِي [إِيَّاهَا] (*الهلالی، کتاب سلیم بن قیس الهلالی*۱۴۰۵ق، ص۶۲۵) پیامبرﷺ در احادیث بی شماری بر فضیلت او اذعان نمود؛ از آن جمله در حدیث متواتر فرمود: "انَا مَدينةُ العِلمِ و عَلیٌ بابُها" و این گونه حضرتش را برای امامت و تبیین کتاب الله شناساند و مردم را به پذیرفتن ایشان به عنوان امام امر فرمود.

امام علی‌علیه‌السلام می‌فرمایند: "کدامیک از این دو تن سزاوارتر به نشستن در مقام و جای پیامبرند؟ شما از پیامبرﷺ شنیدید که وقتی مرا برای ابلاغ سوره برائت، فرستاد فرمود: «صلاحیت ندارد از قول من مطلبی را برساند به جز خودم یا کسی که از خودم باشد». شما را به خدا قسم می‌دهم آیا این مطلب را از پیامبرﷺ شنیدید؟ گفتند: آری به خدا قسم، ما شهادت می‌دهیم که این مطلب را از پیامبرﷺ شنیدیم آن هنگام که تو را برای سوره برائت فرستاد.

حضرت فرمود: رفیق شما (ابوبکر) صلاحیت نداشت که از قول پیامبرﷺ نوشته‌ای بقدر چهار انگشت را برساند و جز من برای ابلاغ آن صلاحیت پیدا نکرد! کدامیک از این دو سزاوارتر به مقام و جای اویند؟ آنکه پیامبرﷺ بخصوص نام برده که از اوست یا آن کسی که بخصوص تعیین شده که از پیامبر نیست؟ (*الهلالی، اسرار آل محمد*، ۱۴۱۶ق، ص۳۰۶)

با این عمل پیامبر معلوم شد چه کسی یقینا از پیامبرﷺ نیست و چه کسی یقینا از پیامبرﷺ است. پس چرا آنان "مدینة العلم" را کنار زدند و به سوی کسانی متمایل شدند که در کوچک‌ترین مسایل درمانده و اظهار عجز می‌کردند.

امام محمدباقرعلیه‌السلام می‌فرمایند: "هیچ حق و صوابی در نزد احدی از مردم یافت نمی‌شود و کسی از آنها را یارای رقم زدن تقدیر و قضایی نیست، مگر آنچه از ما اهل بیت خارج شود. هنگامی‌که دو دستگی بین آنها اتفاق افتد اشتباه از آنِ آنان و حق با

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

علی علیه‌السلام است". (*کلینی، اصول کافی*، ج: ۱ ص: ۳۹۹۳)

در تاریخ دیده شد که عمر حکمی به اشتباه داد و امیرالمؤمنین علیه‌السلام آن را اصلاح کرد و عمر بعد از آن، از علی علیه‌السلام پوزش خواست؟ (*شیرازی، شبهای پیشاور*، ۱۳۷۲ش ص۴۰۸)

۲۴. سوره بقره/ آیهٔ ۲۶۹:

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشاءُ وَ مَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْراً كَثِيراً وَ ما يَذَّكَّرُ إِلاَّ أُولُوا الْأَلْبابِ

خداوند به هر که بخواهد حکمت عنایت می‌فرماید. و هر که را حکمت داد، خیر کثیری به او عنایت فرموده، ولی کسی جز صاحبان عقل متذکّر نمی‌شوند.

امام رضا علیه‌السلام، با اشاره به این آیه، به مسئله علم امام و ضرورت آن برای امام تصریح می‌کند. در واقع امام علیه‌السلام، با استناد به این آیه به این نکتهٔ مهم اشاره نموده‌اند که حکمتِ امام، حکمتی است که خداوند به او می‌بخشد، نه اینکه آن را از منبع خطا پذیر و ناتمام بشری به دست آورد. آن حکمت موهبتی را خداوند، "خیر کثیر" نامیده؛ همان خدایی که تمام دنیا را "متاع قلیل" نام نهاده است. و چنین نکاتی را فقط خردورزان می‌یابند.

ویژگی اهل بیت علیهم‌السلام این است که به تعبیر حضرت امیر علیه‌السلام: "هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ، وَبَاشَرُوا رُوحَ الْيَقِينِ" (رضی، نهج البلاغه، حکمت۱۴۷). آنان مصداق "اوتوا العلم" هستند، در حالی که خطاب به تمام بشر می‌فرماید: "و ما اوتیتم من العلم الّا قلیلا". لذا به حکم عقل، باید امامت مردم را بر عهده داشته باشند.

۲۵. سوره بقره/ آیهٔ ۲۴۷:

قالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طالُوتَ مَلِكاً قالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنا وَ نَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْتَ سَعَةً من الْمالِ قالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفاهُ عَلَيْكُمْ وَ زادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ وَ اللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلِيمٌ

پیامبرشان به آنها گفت: خدا، طالوت را به پادشاهی شما نصب کرد. گفتند: از کجا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

او را بر ما پادشاهی رواست، در صورتی که ما به پادشاهی از او سزاوارتریم و او را مال فراوان و وسیع نیست؟ (آن پیامبر در جواب) گفت: خدا او را از بین شما برگزید و او را در علم و جسم فزونی بخشید. و خدا ملک خود را به هر که خواهد بخشد، که او وسعت دهنده و دانا است.

این آیه یکی از پر نکته‌ترین آیاتی است که امام رضاعلیه‌السلام در جریان تبیین سیمای راستین امامت به آن استناد نموده‌اند. و شامل صفات امام و شرایط او است، مانند طهارت روح، تخصص علمی در همهٔ شئون رهبری، و داشتن فن نظامی، توانایی و شجاعت لازم.

مفسران شیعه از این آیه به شرایط رهبری جامعه رسیده، بیان می‌کنند: چنانکه انتخاب پیغمبر با خداست، تعیین حاکم و مدبّر امور کشوری و لشکری هم باید به انتخاب او باشد، نه اینکه مردم به رأی خود کسی را انتخاب نمایند. مذهب اهل تسنن که خلافت را به انتخاب مردم و اجماع امّت می‌دانند. و سلطنت بنی‌امیه و بنی‌عباسی و سایر سلاطین جور را که به قهر و غلبه و زور و نیرنگ و تزویر بر مردم مسلط شدند، به حق می‌داند. گرچه این خلفای جور هم از علم بی‌بهره و هم از شجاعت و سایر کمالات عاری بودند.

توهمی که بنی‌اسرائیل بدان دچار بودند که باید نبوت در اولاد لاوی یکی از پسران یعقوب و سلطنت در اولاد یوسف پسر دیگر او باشد، توهم باطل است؛ زیرا طالوت که خدا او را به پادشاهی برگزید، نه از اولاد لاوی و نه از اولاد یوسف بود، و همچنین توهم این که نبوت و سلطنت در یک خانواده جمع نمی‌شود و باید از هم جدا باشد نیز باطل است، زیرا داود هم مقام نبوت و هم مقام پادشاهی داشت. (طیب، *أطیب البیان*، ج۲، ص: ۵۰۳-۵۰۶)

برخی از مفسران اهل سنت در تفسیر این آیه، بنی‌اسراییل را به خاطر نپذیرفتن رهبری که خداوند برایشان برگزیده بود سرزنش می‌کنند، در حالی که خود آیات

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

بسیاری را که در معرفی امام بعد از پیامبرﷺ در قرآن آمده است و واقعهٔ غدیر را فراموش کرده‌اند. (*سید بن قطب، فی ظلال القرآن*، ج۱، ص: ۲۶۷)

برخی از مفسران سنی مذهب معتقدند، وقتی پیامبر بنی‌اسراییل گفت که خدا طالوت را برای پادشاهی انتخاب کرد، آنها مجبور بودند بپذیرند؛ چرا که متهم کردن نبی به کذب، تمام دین آنان را زیر سوال می‌برد. (*فخر الدین رازی، مفاتیح الغیب*،ص۵۰۴ و۵۰۵)

امّا هر آنچه بگویند، بر خودشان حجّت است؛ که چگونه از یاد برده‌اند که امامت در آل رسول الله قرار گرفته است، بزرگ مردانی که وارثان علم و عصمت و مناقب رسول الله بوده و با به دست آوردن این شرایط شایستهٔ پوشیدن ردای امامت می‌شوند. (*قاضی زاهدی، گنجینهٔ نور*، ۱۴۳۰ق، ص۲۹۹)

۲۶. سوره نساء/ آیه ۱۱۳:

وَ لَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَ ما يُضِلُّونَ إِلاَّ أَنْفُسَهُمْ وَ ما يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَكَ ما لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَ كانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيماً

و اگر فضل خدا بر تو و رحمت او نبود گروهی از آنها همت می‌گماشتند که تو را گمراه کنند. و گمراه نمی‌کنند مگر خود را، و هیچگونه ضرری به تو نمی‌توانند وارد کنند. و حال آنکه خداوند بر تو کتاب و حکمت را نازل فرمود و آنچه را که نمی‌دانستی تعلیم فرمود و فضل خدا بر تو عظیم است.

امام رضاؑ یکی از شرایط امامت را داشتن علمی‌خاص، معرفی می‌کند و در معرفی آن علم، آیاتی می‌آورد. از جمله همین آیه که می‌فرماید: به تو علمی دادیم که پیش از این نداشتی.

باید دانست جملهٔ "لم تکن" نشان می‌دهد اگر تعلیم خداوند نبود، تلاش پیامبرﷺ برای فراگیری آن علوم غیبی بی‌فایده بود، چون این گونه معارف در اختیار مکاتب بشری نیست که کسی با کوشش آن را بیاموزد. پس دسترسی بشر به آن فقط از طریق

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

پیوند با وحی ممکن می‌شود، و البته ائمه علیهم‌السلام هم که وارث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هستند، از این علم بهره می‌برند. پس آنان بعد از نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله وارث ردای دانش و رهبری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله شدند.

مفسران شیعه در معنای "عَلَّمَكَ ما لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ" معانی‌ای گفته‌اند: علمی که با اسباب عادی به دست نمی‌آید. (*طباطبایی، المیزان*، ج۵، ص: ۷۷)، قوانین ناشناخته. (*طبرسی، مجمع البیان*، ج۳، ص: ۱۶۶)، امور پنهانی و مکنونات ضمایر و امور دین و احکام، علم به ربوبیت حق و جلال کبریائی و معرفت عبودیت نفس و قدر حال او، علم ما کان و ما سیکون. (*حسینی شاه عبد العظیمی، تفسیر اثنا عشری*، ج۲، ص: ۵۷۰)، خبر اولین‌ها تا آخرین‌ها. (*طوسی، التبیان*، ج۳، ص: ۳۲۵).

اهل سنت نیز همین معانی را ذکر نموده‌اند، به علاوه: علم به خیر و شر (*ابن أبی حاتم. تفسیر القرآن العظیم*، ج۴، ص: ۱۰۶۵) و علم غیب، افزوده بر کتاب (ابن عاشور، التحریر و التنویر، ج۴، ص: ۲۵۲).

در این آیه، سخن از کتاب و حکمتی است که خداوند به پیامبرش عطا فرمود، و در ادامه بیان می‌دارد که خداوند رسولش را مجهز به سلاحی کرد که مانندش در هیچ کس نبود. و آن علمی بود که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پیش از آن درباره‌اش چیزی نمی‌دانست و آن همان راز عصمت ایشان بود. این نکته هم از شیعه نقل شده است و هم از سنی. (فضل الله، من وحی القرآن، ج۷، ص: ۴۵۳تا ۴۵۷؛ *زحیلی، التفسیر المنیر*، ج۵، ص: ۲۶۳)

۲۷ و ۲۸ سورهٔ نساء / آیات ۵۴ و۵۵:

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلى ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنا آلَ إِبْراهِيمَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظِيماً فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفى بِجَهَنَّمَ سَعِيراً

آیا مردم به خاطر نعمتی که خدا از فضل خویش به آنان ارزانی داشته، بر آنها حسد می‌برند؟ در حالی که ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم. و فرمانروایی بزرگ دادیم. پس برخی از آنان به ایشان ایمان آورده و برخی دیگر، از راه حق باز داشتند. و آتش افروختهٔ جهنم آنان را کفایت کند.

امام رضا علیه‌السلام پس از اشاره به اوصاف امام از قبیل علم و قدرت، با استناد به این آیه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

تأکید می‌کنند که این نعمت‌ها خدادادی است و نباید کسی به آنها حسادت ورزد. اشاره به اینکه این مخالفان، حق را یافته و بدان علم دارند و فقط به سبب حسادت به جایگاه ائمه، فضل و برتری ایشان را انکار کرده و حق ایشان را غصب می‌کنند.

مفسران شیعه برای کلمهٔ "ناس" که مورد حسد قرار دارند، مطالبی بیان داشته‌اند. مهم‌ترین نکته، این است که این اهل بیت پیامبرﷺ هستند که به خاطر داشتن نعمت امامت و علمی‌که خداوند به آنها عطا نموده است، مورد حسادت واقع شده‌اند (کاشانی، *منهج الصادقین*، ج۳، ص: ۴۹). اهل بیت در احادیث بسیاری براین مساله تاکید داشتند. اهل سنت بیشتر بر این عقیده‌اند که منظور از ناس، رسول خدا به تنهایی و یا همراه اصحابشان، هستند و احتمالاتی هم در علت مورد حسادت واقع شدنشان بیان داشته‌اند. اما برخی از اهل سنت، آل رسول خدا را معنای ناس در این جمله می‌دانند (*فخر الدین رازی، مفاتیح الغیب*، ج۱۰، ص: ۱۰۵). گاهی این مطلب را از قول امامان شیعه نیز بیان می‌دارند. (*سیوطی، الدر المنثور*، ج۲، ص: ۱۷۳؛ *ابن أبی حاتم، تفسیر القرآن العظیم*، ج۳، ص: ۹۷۸). واقعیات تاریخی نیز صحّت همین نظر را نشان می‌دهد، که چگونه مخالفان و ظالمان حاکم، حقانیت اهل بیت را شناختند، ولی به دلیل حسادت، نادیده گرفتند. امام صادقؑ این حقیقت را در ضمن پاسخی به پرسش عبدالله بن بکیر (یا: بکر) ارّجانی تبیین می‌فرماید. این پرسش و پاسخ، بخشی از حدیثی طولانی است که ابن قولویه قمی در کتاب کامل الزیارات (باب ۱۰۸: نوادر الزیارات، حدیث ۲) آورده است.

عبدالله می‌پرسد: آیا امام، تمام آنچه میان شرق و غرب وجود دارد، می‌بیند؟

امام صادقؑ پاسخ می‌دهد:

فرزند بکیر! چگونه حجّت خدا بر تمام آنها باشد، اما آنها را نبیند و بر آنها حکم نراند؟ و چگونه حجّت باشد بر گروهی که از دیدهٔ او نهان باشند و بر آنها قدرت نیابد؟ و چگونه از سوی خدا وظیفه‌ای را ادا کند و شاهد بر مردمی باشد که نمی‌بیند؟ و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

چگونه حجّت بر کسانی باشد، در حالی که آنها از او پوشیده‌اند؟

اینها در حالی است که امام میان مردم و خدا قرار داده شده تا امر خداوند را در میان آنها اقامه کند. و خداوند می‌فرماید: "وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاس" (سبأ/۲۸)، یعنی تمام کسانی که روی زمین هستند (پیامبر بر تمام آنها رسول است). و حجّت، پس از پیامبر، در جای او قرار دارد: راهنمای آنهاست در مواردی که با هم اختلاف می‌کنند، حقوق الهی مردم را می‌گیرد، به امر الهی اقدام می‌کند، و در مورد بعضی از آنها نسبت به بعضی دیگر انصاف می‌ورزد.

اگر چه حجّت، از آنها باخبر نباشد، چه کسی حکم الهی را اجرا کند که فرمود: "سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ" (فصلت/۵۳). کدامین آیه در آفاق به جز ما است که خداوند به اهل آفاق ارائه کند؟ خداوند فرمود: "وَ ما نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِها" (زخرف/ ۴۸). کدام آیه و نشانهٔ الهی بزرگتر از ما (اهل بیت) است؟

به خدا سوگند بنی‌هاشم و قریش عطیهٔ خدا به ما را می‌شناسند، ولی حسد آنها را به هلاکت کشانید، چنانکه ابلیس را به وادی هلاک برد. آنها هنگامی که مضطرّ می‌شوند و بر جان خود بیمناک می‌گردند، از ما می‌پرسند و ما برای آنها توضیح می‌دهیم. نزد ما می‌گویند: ما شهادت می‌دهیم که شما اهل دانشید. سپس بیرون می‌روند و می‌گویند: هیچ کس ندیدیم گمراه‌تر از کسانی که پیروی اینان (اهل بیت) کنند و گفتارشان را بپذیرند. (ابن قولویه، *کامل الزیارات*، ۱۳۷۵ ش، ص ۳۴۳)

۲۹. سورهٔ قصص/ آیهٔ ۵۰:

فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّما يَتَّبِعُونَ أَهْواءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَواهُ بِغَيْرِ هُدىً مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

پس اگر به تو پاسخ مثبت نمی‌دهند و ایمان نمی آورند، پس بدان جز این نیست که این‌ها از هواهای نفسانی خود متابعت می‌کنند. و گمراه‌تر از کسی که از هوای نفس خود متابعت کند بدون اینکه خداوند او را هدایت کرده باشد کیست؟ محققا

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

خدا قوم ستمکاران، را هدایت نمی‌کند.

در اینجا امام علیه السلام پس از این همه پند و نصیحت و توبیخ و تبیین و کنایه و تصریح، گویا به مخالفان می‌فرماید که اینها همه برای نفع خودتان است و اطاعت شما سود و زیانی برای ما ندارد. امام علیه السلام از این آیه در سرزنش مخاطبین خود استفاده کردند تا تذکّری به آنها دهند و بت‌های ذهنی و فکری آنها را بشکنند، چنانکه حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام چنین کرد و نتیجه این شد که به تعبیر قرآن: "فَرَجَعُوا إِلى أَنْفُسِهِمْ فَقالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ" (انبیاء/ ۶۴).

باشد که به خود آیند و بفهمند که کسی که امامت امام علیه السلام را – بعد از نزول آیات الهی و بیان روایات نبوی– رد کرده و نمی‌پذیرد، بی شک راه خدا یعنی راه عقل را در پیش نگرفته و در پی هوا و هوس خویش رفته است.

۳۰. سورهٔ محمد (صلی الله علیه و آله) / آیهٔ ۸:

الَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْساً لَهُمْ وَ أَضَلَّ أَعْمالَهُمْ

و کسانی که کافر شدند، نابودی و هلاکت برای آنها است و خداوند، اعمال آنها را از بین می‌برد.

امام رضا علیه السلام بیان می‌دارد مردمی‌که علی علیه السلام را رها نمودند و امام و رهبری غیر از ایشان برای خود برگزیدند، از حق تجاوز کردند و کتاب خدا و سخن رسول را پشت سر نهادند. خدا ایشان را نکوهش نمود و دشمن داشت، امام نیز آنها را نفرین می‌کند و خبر از حبط اعمالشان می‌دهد.

۳۱. غافر/ آیه ۳۵:

الَّذِينَ يُجادِلُونَ فِي آياتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطانٍ أَتاهُمْ كَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلى كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ

کسانی که در آیات الهیّه بدون برهان مجادله می‌کنند، عداوت و غضب الهی در نزد خدا و نزد کسانی که ایمان آورده‌اند، برای آنان بسی بزرگ است. و خداوند بر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

قلب هر متکبّر جبّاری مهر می‌نهد.

امام علیه‌السلام در آخرین فراز از کلامشان، پس از اتمام حجّت، اشاره می‌کند که نپذیرفتن حجّت منصوب منصوص الهی، مصداق مجادله در آیات الهی است، و خشمِ بزرگِ خدا و مؤمنان راستین را در پی دارد. سر انجام، چنین کسانی به کیفر کردار خود می‌رسند که مُهر بر دلهاشان نهاده شود.

منابع

۱) قرآن

۲) نهج البلاغه

۳) ابن أبی حاتم ،عبد الرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، عربستان، مکتبة نزار مصطفی، الباز، چاپ سوم، (۱۴۱۹ق)

۴) ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام (دو جلد در یک مجلد)، [بی‌جا]، انتشارات جهان، چاپ اول، (۱۳۷۸ق).

۵) ابی بطریق، یحیی بن حسن، العمدة، قم، جامعه مدرسین، (۱۴۰۷ق)

۶) ابن عاشور, محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا]

۷) ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ سوم (۱۴۱۹ق).

۸) امینی، عبدالحسین. الغدیر (۱۴ج)، تحقیق: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، قم، دائره المعارف الفقه الاسلامی(۱۳۸۴ش).

۹) بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث، چاپ اول (۱۴۲۳ق).

۱۰) تمیمی‌مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مصر، دار المعارف، چاپ اول (۱۳۸۵ق).

۱۱) حرانی، حسین بن شعبه، تحف العقول(یک جلد)، قم، جامعه ی مدرسین، چاپ دوم، (۱۴۰۴ق).

۱۲) حر عاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین، وسائل الشیعه، قم، آل البیت، چاپ اول، (۱۴۰۹ق).

۱۳) حسینی شاه عبد العظیمی، حسین بن احمد تفسیر اثنا عشری، تهران، میقات، چاپ اول (۱۳۶۴ش)

۱۴) حسینی مرعشی، نور الله احقاق الحق و ازهاق الباطل، تهران، مطبعه الاسلامیه، [بی تا].

۱۵) حلی، ابن فهد، عدة الداعی(یک جلد)، [بی جا]، دار الکتاب الاسلامی، چاپ اول، (۱۴۰۷ق).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

۱۶) حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر، نهج الحق و کشف الصدق، قم، دار الهجرة، چاپ اول (۱۴۰۷ق).
۱۷) ---------- ، کشف الیقین، مصحح: حسین درگاهی، [بی‌جا]، موسسهٔ چاپ و انتشارات، چاپ اول (۱۴۱۱ق).
۱۸) دروزه، محمد عزت، التفسیر الحدیث، قاهره، دار احیاء الکتب العربیة (۱۳۸۳ق).
۱۹) رضوی زاده، سید علی، آفتاب طوس، تهران، انتشارات آسیا [بی‌تا].
۲۰) زحیلی، وهبة بن مصطفی، تفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت، دار الفکر المعاصر، چاپ دوم (۱۴۱۸ق).
۲۱) زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دار الکتاب العربی، چاپ سوم (۱۴۰۷ق).
۲۲) سراج، محمد ابراهیم، رضای خدا، تهران، انتشارات نبوی (۱۳۸۸).
۲۳) سیدقطب، بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، چاپ هفدهم، (۱۴۱۲ق)
۲۴) سیوطی، جلال الدین، الد المنثور فی التفسیر الماثور، قم، کتابخانهٔ مرعشی (۱۴۰۴ق).
۲۵) شیخ مفید، محمد بن محمد، الافصاح فی الامامه(یک جلد)، محقق و مصحح: کنگرهٔ شیخ مفید، قم، کنگرهٔ شیخ مفید، چاپ اول (۱۴۱۳ق).
۲۶) شیرازی، سلطان الواعظین، شبهای پیشاور(یک جلد)، تهران، دار الکتب الاسلامی، چاپ پنجم (۱۳۷۲ش).
۲۷) طاهری، مرتضی، امام یگانه ی دوران، قم، دلیل ما، چاپ دوم (۱۳۸۵ ش).
۲۸) طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی‌جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، چاپ پنجم (۱۴۱۷ق).
۲۹)طبرسی، ابو منصور، احمد بن علی، الاحتجاج(یک جلد)، مشهد، مرتضی (۱۴۰۳ق).
۳۰) طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول (۱۳۷۷ش).
۳۱) ---------- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، (۱۳۷۲ش).
۳۲) طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۳۳) طیب، سید عبد الحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، چاپ دوم (۱۳۷۸ش) .
۳۴) ظهیری، علی اصغر، وصیت نامه‌های چهارده معصوم علیهم‌السلام، قم، انتشارات نهاوندی، چاپ دوم، (۱۳۷۹ش).
۳۵) فخر الدین رازی ابو عبد الله، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار التراث العربی، چاپ سوم (۱۴۲۰ق).
۳۶) فضل الله، سید محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت، دار الملاک للطباعة و النشر، چاپ دوم(۱۴۱۹ق).
۳۷) قاضی زاهدی، احمد، گنجینهٔ نور (پرسش‌های مردم و پاسخ‌های عالم آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله امام رضا علیه‌السلام)، قم، نشر حاذق، چاپ اول (۱۴۳۰ق).
۳۸) قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ اول (۱۳۶۴ش).
۳۹) غفوری، علی، سرگذشت و شهادت هشتمین امام شیعیان امام رضا علیه‌السلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]

اسلامی(۱۳۹۴ ق).
۴۰) کاشانی، ملا فتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، محمد حسن علمی(۱۳۳۶ش).
۴۱) کراجکی، محمد بن علی، التعجب من أغلاط العامة في مسألة الإمامة، قم، دار الغدیر، چاپ اول (۱۴۲۱ق).
۴۲) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، (۱۳۶۵ش).
۴۳) محدث نوری میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، آل البیت، چاپ اول (۱۴۰۸ق).
۴۴) مدیر شانه چی، کاظم، درایت الحدیث، قم، جامعهٔ مدرسین، چاپ چهارم (۱۳۸۴ش).
۴۵) نباطی بیاضی، علی بن یونس، الصراط المستقیم، نجف، الحیدریة، چاپ اول (۱۳۸۴ق).
۴۶) نعمانی، محمد بمن ابراهیم، الغیبه، محقق و مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، چاپ اول (۱۳۹۷ق).
۴۷) نیلی نجفی، علی بن عبدا لکریم، منتخب الانوار المضیئة (یک جلد)، قم، خیام (۱۴۰۱ق).
۴۸) ورام بن ابی الفراس، مجموعهٔ ورام، قم، مکتبة الفقیه، [بی تا].
۴۹) هلالی، سلیم بن قیس، اسرار آل محمد، ترجمه و تصحیح اسماعیل انصاری زنجانی، قم، الهادی، چاپ اول (۱۴۱۶ق).
۵۰) ----------، کتاب سلیم بن قیس، قم، الهادی، چاپ اول (۱۴۰۵ق).
رساله:
* اخوان مقدم، زهره، "اصول تفسیر بر گرفته از روایات اهل بیت علیهم‌السلام"، رسالهٔ دکتری دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1392.11.41.11.2]